

سرمقاله

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «فَكَلَّمَا اسْتَقْتُّ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَتُهَا وَمَا قَبْلَتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةٍ طُوبَى مِنْهَا، هِيَ حُورَاءُ أَنْسِيَةٌ؛ پس هرگاه که مشتاق بهشت می شوم، او را می بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می کنم. او [فاطمه (سلام الله علیها)] فرشته‌ای با ظاهر انسانی است.»

در روایات آمده است که چون خداوند متعال صدیقه کبری (سلام الله علیها) را از نور عظمت خویش خلق فرمود، آسمانها و زمین به نورش روشن گردید آنچنان که چشمان فرشتگان خیره گشت و در پیشگاه پروردگار به سجده افتادند. این «کلمه حسنی» حفظ شد تا آن هنگامی که پیامبر اعظم (صلى الله عليه وآله) در شب معراج به آسمان عروج نموده، بر درخت طوبی گذر کردند و از میوه آن تناول نمودند و وجود زهرای اطهر (سلام الله علیها) با عطر آن مائده لطیف و بی نظیر تکوین یافت.

درباره شجره طوبی چنین آمده است که هیچ خانه و مکانی در بهشت نیست مگر اینکه در آن شاخه‌ای از این درخت قرار دارد. بدین ترتیب خداوند آن را سر مستودع فاطمه (سلام الله علیها) قرار داد که سرچشمه اعطای هر نعمتی که در بهشت است و نصیب بهشتیان می شود، همان نور زهرای مرضیه است. ایشان را محور انوار پاک اهل بیت (علیهم السلام) قرار داد و در معرفی فرمود: «هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا». تمام این توصیفات قدسی از وجود با عظمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بطور خاص، بیانگر کاملترین فلسفه آفرینش زن است.

در اعصار مختلف الگوسازی‌های دم دستی و سلطه طلبانه برای زن، او را از جایگاه انسان ساز و جریان ساز مواهب الهی دور کرده و موجب نادیده گرفته شدن منابع الهام بخش و روح نواز واقعی و ملکوتی شده‌اند. در جامعه ما نیز آنقدر که بر جایگاه‌های مادی و البته کاذب همچون شهرت‌های سلبریتی، کرسی‌های حاکمیتی و ارزش‌گذاری‌های شغلی تکیه شده، برای تربیت براساس ویژگی‌های معرفی شده در فرهنگ دینی برنامه‌ریزی عملی انجام نشده است.

برخلاف رویکردهای تحقیرآمیز برخی جوامع در قبال زن، از آنچه درباره بضعه‌النبی (صلى الله عليه وآله) بیان گردیده، تصویری زیبا از ساختار اثرگذاری متعالی زن دریافت می شود، آنچنان که می تواند با استفاده از ظرفیت بالقوه فطرت خود و تجمیع سه بُعد محوریت در خانواده، مجاهدت در اجتماع و عبادت عارفانه، منشا و منتشر کننده خوبی‌های عظیم باشد، به گونه‌ای که یک تاریخ را متاثر کند.

امید که در سال جدید که با نام حضرتش آغاز می شود، سختی سالهایی گذشته با گام نهادن در مسیر «اجْتِنِبُوا الطَّاعُوتَ» و بازگشت به دامن ارزش‌های الهی، جبران شده و مصداق حرکت «مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» شویم.

فَالْأَهْلُ الْأَهْلُ

بشر نبودی و انسیه خوانده‌اند تو را
فرشته‌ای که شدی بهر مرتضی همسر

نعمیه امامی اشلق

فرهنگی

تفکر سیاسی، تحلیل سیاسی، مکتب سیاسی، فقه سیاسی، کلام سیاسی، فن سیاسی، اندیشه سیاسی، علم سیاست؛ فرقی نمی‌کند شما با کدام یک از این مفاهیم روبرو هستید. سیاست در تمام این مفاهیم به معنای تدبیر و مدیریت یک جامعه است؛ چه جامعه‌ای خرد و کوچک و چه اجتماعی بزرگ و کلان. نه آن سیاستی که به گفته ماکیاوول چیزی جز حقه‌بازی و فریب‌کاری و مردم فریبی نیست و با معنایی از مکر و فریب و حیلت همراه و ممزوج شده است.

قدرت و شهرت ره‌آورد سیاست است و هر دو مطلوب و مقوم شهوت آدمی است. شهوتی که از اوصاف نفسانی است و در میل مفرط و علاقه و رغبت شدید معنا می‌شود. اعتدال در شهوت عفت و افراطش آز و حرص و طمع و ذلت و تدبیر و وقاحت است. متعلق این میل؛ گاهی زر است و ثروت، گاهی شکم است و شهرت و گاهی قدرت است و سیاست است. اعتدال در شهوت و عفت می‌تواند سخا، حیا، صبر، مسامحه، قناعت، ورع، قلت طمع و بندگی خدا و عبادت را ثمر دهد.

آن سیاستی که با نگاه تعالی در محور و هدف کمال بشر به رتق و فتق امور جامعه و اجتماع می‌پردازد، سیاستی الهی و انسانی است. پی‌آمد و آثار شهوت سیاست، آدمی، تمدن و جامعه

حکومت ارزش‌ها

بشری را در سراسیمگی سقوط و انحطاط قرار می‌دهد. اما سیاست امیال و شهوات، به معنای تدبیر و هدایت و مدیریت غرایز و شهوات انسان‌هاست. همان‌گونه که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «نحن اخیار الدهر و نوامیس العصر و نحن ساسه العباد و ساسه البلاد» ما بهترین افراد روزگار و نوامیس عصریم و ما سیاست‌گذار بندگان خدا و شهرهاییم؛ و درست به همین معناست که خطاب به امامان معصوم (علیهم السلام) می‌گوییم: «انتم ساسه العباد»؛ شما سیاست‌مدارترین بندگان خدايید. تلاش ائمه (علیهم السلام) برای ایجاد نظام و حکومت قدرتمند اسلامی از این حیث نبود که صرفاً به منصبی دست پیدا کنند، بلکه هدف آن‌ها این بود که با ابزار قدرت و حکومت و با اهرم سیاست، شهوات، امیال و غرایز مردم را تعدیل

سیدمتین امامی

کنند و در مسیر کمال جوامع بشری، ارزش‌های اخلاقی و بندگی خداوند سوق دهند. اما امروز برخی از سیاستمداران در گوشه گوشه جهان، شعارهایی مطرح می‌کنند که همسو و محرک شهوات و امیال حیوانی مردم باشد! و این همان، نقش شهوت در سیاست است! همان خطر بزرگی که امروز سیاست ما را تهدید می‌کند. سیاستی که به هدف مبدل شده و ارزش‌های دینی و اخلاقی را روزبه‌روز کم رنگ‌تر می‌کند.

سیاست‌مداری که مترصد تئوریزه کردن شهوات جنسی و حیوانی در قالب شعارهای آزادی، تساهل، تسامح، توسعه سیاسی، اصلاحات، گفتگوی با ابرقدرت‌ها و ... است می‌تواند آن شعارها را در باور، تفکر و اندیشه جامعه نفوذ دهد تا مبنای ریشه انقلاب و تمدن اسلامی را متزلزل کند. آنچه در این حال هشدار می‌طلبید؛ تبدیل جامعه به انبوهی از مردم، که در دست سیاست‌بازی، حرص قدرت و طمع شهرت، در مسلخ دنیابازستی، با چاقوی دو دم حقوق بشر ذبح می‌شوند و فطرت پاک، اندیشه انقلابی و تفکرشان در مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم، با انبوهی از شعارهای رنگی سبز و بنفش، با پوسته‌ای از دوستی و صلح جهانی و دین‌رحمانی و سیاست منحن غربی مدفون و استحاله خواهد شد!



حجت الاسلام عالی:

ریشه تمام بدی‌ها تکبر در مقابل خداوند است

(هیبت میناق با شه‌دا. دی ماه ۱۳۹۵)

- بدترین صفتی که اگر در انسان به وجود بیاید منشأ تمام آلودگی‌ها و زشتی‌ها است، محوری‌ترین صفت شیطان است یعنی استکبار علی الله و لجبازی و زیر بار حق نرفتن که ریشه تمام بدی‌ها که همان تکبر در مقابل خداوند می‌باشد. اگر این سرکشی در انسان نهادینه شود، باعث می‌شود انسان هیچ نور و کمالی از جانب خداوند دریافت نکند. کسی که در و پنجره روح خود را به روی خداوند بسته است هیچ نوری از خداوند نمی‌گیرد و اگر کسی نوری از کمال خداوند نگیرد مگر از جای دیگری می‌شود این کمال را بگیرد؟
- دلیل اینکه استکبار در مقابل خداوند بدترین صفت است این است که انسان موجود ظلمانی می‌شود و تمام وجود او را خباثت می‌گیرد و در او صفات رذیله به وجود می‌آید که با آن فقط می‌شود شیطنت کرد، چرا که با آن صفات نمی‌شود بندگی و عبادت خداوند را کرد. از کوزه همان برون تراود که در اوست
- اگر کسی در مقابل حق تسلیم بود و روح متواضعانه در مقابل خداوند داشت آن وقت پنجره وجود او در مقابل خداوند باز است و کمالات الهی را به هر مقدار که تسلیم بود می‌گیرد.
- تمام اعمالی که در دین آمده است برای این است که منیت را از ما بگیرد و کاری کند که در مقابل خداوند زانو بزینیم، همه ما یک فرعونی در وجودمان داریم که فقط مصر آن کوچک است و باید حواسمان باشد.
- یک وقت هست که با چهل بار جمکران رفتن و یا نذر خواندن دعا و قرآن دچار طلبکاری می‌شویم که اگر احیاناً چیزی را که می‌خواستیم به ما ندادند با آن‌ها درگیر می‌شویم. عبادات عجب می‌آوردند و بلاها شکستگی می‌آورد.
- هیچ وقت انسان مریض و در قرض و مشکل را نمی‌بینیم که به این حالت عجب دچار شود بلکه در آن حال همه التماس خداوند را می‌کنند، چرا که بلاها انسان را می‌شکنند. به خاطر همین هم هست که در روایات آمده است کسی که مریض شد به عبادت او بروید چرا که دعای او مستجاب است.
- یکی از آفات و آسیب‌هایی که برای دین‌داران و خوبان است این است که نسبت به اعمال خود دچار عجب و غرور می‌شوند. در صحیفه سجاده‌ایه امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: خدایا شکر مرا در بلاها بیشتر از نعمت‌ها قرار بده. کارکرد بلا این است که انسان را خاضع می‌کند.

بارخوانی اسناد لانه‌ی جاسوسی

۲ سال تخمین آمریکا برای عمر انقلاب

۵: یا بایستی ما با همان حالت جلب توجه نکردن فعلی رفتار کنیم تا ببینیم اوضاع چگونه پیشرفت می‌کند و در مجموع صبر کنیم که دولت موقت به طرف آمریکا بیاید؟

(۲) اگر آینده خیلی کم ثبات‌تر به نظر بیاید، برای مثال مانور حزبی سیاسی، جنگ داخلی و بی‌اعتباری و بی‌اعتنایی تدریجی نسبت به چهره‌های فعلی رهبری افزایش یابد، این وضعیت چه راهی برای آمریکا پیشنهاد خواهد کرد؟

الف: آیا ما باید این حالت عدم جلب توجه خود را کمتر کنیم؟

ب: آیا ما باید تماس‌هایمان را افزایش دهیم و تا اندازه‌ای شروع به نشان دادن اولویت‌ها کنیم؟

ج: آیا ما باید از تدارکات تسلیحاتی به صورت راهبردی استفاده کنیم؟

این عبارات نشانگر دقت نظر کارداران سفارت در امور داخلی ایران است که برنامه‌ریزی و توجه ویژه آنان به این مسائل و بخصوص جریان رهبری و روحانیت را بیان می‌کند. واضح است که دشمن همواره از ابتدا تاکنون در حال رصد و ارزیابی و پیدا کردن پاسخ مناسب برای اعمال ماست و در این میدان، وظیفه ما این است که لااقل دشمن بودن آنان را درک کنیم زیرا با دوستی‌های نمایشی، مشکلی حل نمی‌شود.

امام خمینی (ره) فرمود: «با کی ملاقات کنیم؟ با چه جمعیتی ملاقات کنیم؟ با آن‌هایی که اسم خودشان را بشردوست گذاشتند، لکن دوابی اگر چنانچه ببینند که بخواهند تجربه کنند که آیا ضرر دارد یا ندارد، همان طوری که دکترهای شما وقتی که بخواهند امتحان کنند یک دوابی را به خرگوش می‌زنند یا به موش می‌زنند، اینها به دنیای سوم می‌فرستند. ما با اینها می‌توانیم بنشینیم صحبت کنیم؟.. آنها که شبکه جاسوسی در اینجا درست کردند، توطئه درست کردند، کردستان و امثال اینها راه، اینها نقشه می‌کشند و راه می‌دهند. ما با اینها بنشینیم صحبت بکنیم! چی چی صحبت بکنیم؟»

سند شماره ۲۰ از کتاب پانزدهم اسناد لانه جاسوسی، در طبقه محرمانه، شامل بحث سیاسی و سوال و جواب با کاردار سفارت درباره امور داخلی ایران است. بخشی از بحث چنین است:

چه دورنمایی برای اجرای موفقیت‌آمیز دولت موقت ایران در مورد برنامه‌ها و جدول زمانی قانون اساسی می‌بینید؟

جواب: خوب
۲. آیا می‌توان فرض کرد که نفوذ خمینی آنقدر پر دوام خواهد بود که بتواند آنچه را منطقاً از برنامه‌های فعلی او و قانون اساسی می‌دانیم، به ثمر برساند؟

جواب: بله
۳. اگر او می‌تواند، تا چه اندازه پر دوام خواهد بود؟ آیا صحبت از ۶ تا ۱۲ ماه است یا ۲ تا ۳ سال؟

جواب: ۲ سال
۴. نقش وسیع روحانیت در سیاست ایران، برای مدتی باقی خواهد بود؟

جواب: بله
۵. مبارزه اصلی از کجا آغاز خواهد شد؟ از یک نیروی روحانی (شریعت‌مداری) یا نیروی غیرروحانی؟

جواب: غیر روحانی، غیر کمونیست-اقتصادی
۶. آیا می‌توان انتظار داشت که ارتش یک نقش مؤثر بازی کند؟

جواب: با پشتیبانی از غیرمذهبیون

در ادامه بحث اهداف سیاست آمریکا مورد سوال قرار می‌گیرد:

(۱) فرض شود که در آینده این آشفستگی کلی در مدتی کوتاه، مثلاً حداقل بین ۶ تا ۱۲ ماه دیگر، خاتمه یابد و هیچ تهدید جدی برای به ثمر رسیدن چیزی مانند قانون اساسی خمینی نباشد. در این صورت این امر برای خط مشی دولت آمریکا چه مفهومی خواهد داشت؟

الف: بیشتر از حال حاضر پشتیبانی به عمل آید؟

ب: چند ابتکار سیاسی اجرا شود؟
ج: مأموران ویژه اعزام شود؟

د: نمایندگان مجلس آمریکا بازدید به عمل آورند؟

Ofoghno: خب الحمدلله دولت مشکل مسافرت‌های آن ۷ درصد مردم که از هواپیما استفاده می‌کنند را حل کرد

ما ۹۳ درصد هم می‌رویم یک گوشه کناری منقرض می‌شویم! #پیرباس

ghasemi۸۰۶۲۱: وزیر اقتصاد: از وضعیت معیشت مردم راضی نیستیم!!!

مردم: شرمندۀ تو را به خدا!!!
قول می‌دهیم خودمان را اصلاح کنیم!!!

سیدمتین امامی: نوبخت: «اینکه از محله لاله‌زار یکی را پیدا و مصاحبه کنید که اثرش در سفره رفته یا خیر درست نیست.»
آقای صدا و سیما!

چرا می‌روی از محله #لاله‌زار یکی را پیدا می‌کنی و درباره وضعیت معیشت و اقتصاد باهاش مصاحبه می‌کنی؟

بیا برو لواسان، جماران، الهیه، فرشته، جردن! اصلاً بیا برو سرسفره انقلاب، از وضعیت اقتصادی سوال کن تا مردم ببینند همه چیز خوب و رو به راهه

Ofoghno: الان از لیست امید خبر رسیده چون جلب توجه همسر جانباز فراتر از سقف معمول بوده، حس ایشون سوبله چوبله لحاظ می‌شود. #خودسوزی

ayaran۳۱۳: می‌گویند بعد از نقض برجام، احسان علیخانی دارد در به در

دنبال عراقچی می‌گردد بیاباردش سری جدید ماه غسل!

لامصلب داستانش خیلی غم‌انگیز است
Smrjg: کار به جایی رسیده که اگر ترامپ جلوی دوربین هم برجام را پاره کند،

باز دولت‌مردانی از سرزمین پارس پیدا می‌شوند و می‌گویند: این، از نظر ما نقض برجام نیست و اثری ندارد!

perfectact۱۹۷۹: آنقدری که صفدرحسینی دنبالش #صندوق هست،

من دنبالش نیمه گذشته‌ام بودم.
تا حالا با وام ازدواج ام یک لپ تاب MSI گرفته بودم!

Baran: جهانگیری: آیا انسان عاقل خود را از داشتن سلاح دفاعی محروم می‌کند؟

زنده‌یاد هاشمی: دنیای فردا، دنیای گفتمان هاست نه موشک‌ها

ظریف قهرمان: آمریکا می‌تواند با یک بمب تمام سیستم دفاعی ایران را از کار بیاندازد

Marziye: روح برجام: پیشرفت در زمینه تسلیحات دفاعی برابر است با تحریم!

رئیس بعدی هر قدر بگوید تقصیر دولت قبل است کم گفته است!

TohidAzizi: اگر روحانی نبود کشتی کمک‌های بشر دوستانه‌ی ایران به یمن می‌رسید، نه اینکه وسط راه با یک تلفن وزیر خارجه‌ی آمریکا راه کج کند و برود آفریقا.

mostafa_tayyebi: اگر روحانی نبود ماهواره‌برهای آماده پرتاب از ترس کدخدا در انبارها نبودند

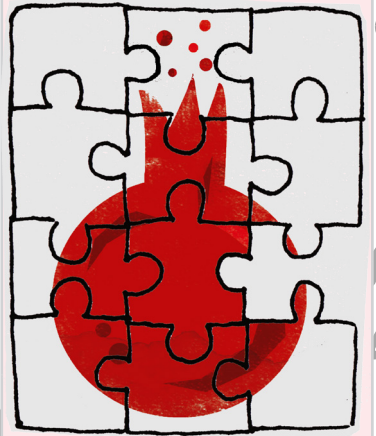
Qanistupulus: اگر روحانی نبود چه کسی دزد بیت‌المال را ذخیره نظام معرفی می‌کرد؟

سیدمتین امامی: هی می‌نویسید «اگر روحانی نبود»
چرا شکر نعمت نمی‌کنید؟!

تصور کنید! اگر عارف بود، الان اکثر ما توی بند ۲۰۹ یا ۲۴۰ اوین داشتیم آب خنک می‌خوردیم!

Irman: من سرت را روی نی دیدم همان هنگام که مسلمت دلواپس و کوفی پی تدبیر بود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



حمد و سپاس مخصوص
پروردگاری ست که
همه چیز را از هیچ آفرید
بدون هیچ نیازی و سودی
جز اثبات حکمتش
و آگاهی بر طاعتش،
اما زمین در حجاب غیبت،
آکنده شد از

ظلم‌ها و تاریکی‌ها
فتنه‌های پی در پی،
تاریخ را درنوردید
با سقوط مداوم نخبگان رنج
دیده ولی پیمان‌شکن، «نکثوا
ایمانهم من بعد عهدهم»
و سستی اراده‌ها و ضعف
سلاح‌ها و انحراف انگیزه‌ها
و خواسته‌ها و دوری از
ریسمان‌های الهی
و چون انسانیت زخم
خورده، سرگردان دشت‌های
پر محنت انتظار شد
سنت الهی بر این قرار گرفت
که «أَنَارَ اللّٰهُ ظُلْمَهَا»

به نوری که
«بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»
تا قلب‌های شکسته را
درمان کند و چشم‌های
خسته را روشن
شرط آن را ایمان و استقامت
«عِبَادِي الصَّالِحُونَ»
گذاشت و زمین منتظر، تا
بهار دل‌ها بدمد



سال جدید نزدیک است و همه منتظر آمدنش و تازه شدن...

سال جدید می‌آید مثل امسال، مثل سالهایی که تا به حال آمدند و رفتند.

تاریخ گواه این رفت و آمدهاست. یکی از دنیا می‌رود، یکی به دنیا می‌آید. یکی در اندوه شکستی‌ست و یکی سرمست پیروزیهایش در سالی که گذشت.

کسانی هستند که قبل از سال نو لیست بلند بالایی از تصمیم‌های جدید و یا کارهای عقب مانده‌شان می‌نویسند و هزار نقشه می‌کشند و از خود قول می‌گیرند که حتما آنها را انجام دهند. خیلی از ما حداقل یک کار انجام نشده داریم که تصمیم انجامش را در شروع سال نو گرفته بودیم و آن کارها هم حیران و سرگردان که موعد انجام کی می‌رسد!

در مقابل، بعضی‌ها هر روز را سال و روز جدید می‌دانند و فرصت‌ها را برای پیشرفت از دست نمی‌دهند و به آینده موکول نمی‌کنند که آیا روزی حال و اراده‌شان اجازه می‌دهد یا نه.

فقط شروع فصل بهار، شروع سال نو نیست. هر روز، شروع سال نو است. شروع رشد ما است. هر روز، روز شروع عمل به تصمیم‌های گرفته شده است. انسان‌های موفق از تک تک لحظات و روزها بهترین استفاده را می‌برند و منتظر بهار نمی‌مانند چون همیشه بهاری‌اند. همیشه جوانه‌های بهاری در فکرشان زنده است. اصلاً آنها گل همیشه بهارند. اما اگر بخوای، اگر خود را دوست داشته باشی، اگر آینده برایت مهم باشد. شروع فصل بهار و سال جدید بهانه و انگیزه‌ی خوبی برای شروع کارهاست به شرطی که این انگیزه در هوای بهاری، خواب آلود نشود و به نتیجه‌ای منجر شود.

سال جدید، پُر از فکرهای نو، اراده قوی و پیشرفت‌های بسیار.

(پرواز ۷۷)

دانه‌ای را که در بهار و تابستان شکوفایی‌اش را می‌بینیم، از همان زمان که در دل خاک قرار می‌گیرد با شکافتن پوسته خود، حرکتش را به سمت کمال و شکوفایی آغاز می‌کند. آن دانه‌ای که در ظلمت و سختی خاک ریشه نداد، در بهار شکوفا نخواهد شد.

درست زمانی که وقت تحمل سختی، حرکت به سوی کمال و شکوفایی است، شیطان با ترفندهای خود، ایجاد آرامش کاذب می‌کند. او نمی‌خواهد انسان، طعم شیرین و معنای «لَا مَعَ الْعَسْرِ يَسِرُّ» و آن آرامش حقیقی بعد از سختی را بچشد؛ لذا تمام تزویر، خدعه، فریب و مکر خود را به کار می‌بندد تا در وقت شکافتن پوسته سختی برای رشد و تعالی، سرخوش و مشغول رنگ و لعاب آرامش دروغین شویم.

نشانه‌ی آرامش دروغین، آن است که تا اوضاع بر وفق مراد باشد، همه چیز آرام و خوب پیش می‌رود؛ ولی به محض اینکه سختی پیش آید، همان شخص آرام، کم می‌آورد و نمی‌تواند در ظلمت و سختی بجنگد و راه درست را انتخاب و به سوی نور حرکت کند.

ما در این دنیا، بذر انسانیتی هستیم که تا آن رنج و محنت و مرارت تحمل نکنیم، حلاوت و دلپذیری میوه‌ی بندگی و شکوفایی ابدی را نخواهیم چشید.

[اللّٰهُمَّ!... و انشر علينا رحمتك بالسحاب المنيع و الزبيع المغدق و النبات المونق سخاً و ابلا تحیی به ما قد مات و ترد به ما قد فات

الهی، ... با ابر پر باران، و بهار پر آب، و گیاه شاداب سفره رحمت را بر ما بگستران، از باران دانه درشت خود که زمین مرده را به آن زنده کنی، و آنچه را از بین رفته به ما برگردانی بر ما بباران.

(نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۱۵)

(سیدمتین امامی)

این روزها نوشته‌هایم بوی تضاد می‌دهند. می‌نویسم «اقتصاد مقاومتی»، با خودکاری فرانسوی، روی برگه‌های وارداتی، روی میل ترک. شهرم بوی غرب می‌دهد، نمای ساختمان‌هایش، میلمانش، آشپزخانه‌هایش که نام و نشان از فرهنگ دارند.

سفره‌های سنتی‌مان هم خارجی است، چه برسد به میزهای اجنبی. سفره‌هامان پر از غذاهای فرنگی، عاشق فست فودیم، عاشق غذاهای ایتالیایی. میدانی از جنس برنز ایتالیا داریم در اهواز! رخت و لباسمان برند خارجی است؛ ترک، فرانسه، آلمان، سالن‌های ورزشی‌مان هم در مصادره غرب است، ساعات قرارمان هم. این همه دورزدن هم محصول فرنگ است

ازدواج‌ها و طلاق‌هایمان به سبک فرنگ است این روزها همه چیز بوی غرب می‌دهد، از زندگی تا مرگ.

به خودمان نیابیم؛ روی برجسب اصیل ایرانی بودنمان خواهد خورد: «مصادره شد»

(اکرم صادقی اقدم)

شنبه پس از انتخابات

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی وقایعی را در برداشت که از هر لحاظ شایسته دقت و توجه است. مشارکت ۸۵ درصدی مردم در این انتخابات، که بالاترین میزان مشارکت را دست کم در انتخابات چندین سال اخیر نشان می‌داد، نشان طراوت و شادابی گفتمان مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی بود.

اما وقایع فردای روز انتخابات و اعتراض بی‌رویه و شبهه‌افکنی در نتیجه و نحوه برگزاری انتخابات باعث شکل‌گیری جو تشنج در جامعه شد که از نخستین ساعات پس از اعلام نتایج آغاز گردید و مدتی تداوم داشت و خسارات جبران ناپذیری را به کشور وارد کرد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای ثبت و ضبط تحولات دوران حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و شناساندن بهتر ماهیت جریان‌ها و حرکات و اغتشاشات آن سال اقدام به بازخوانی وقایع قبل و بعد از انتخابات و مواضع کاندیدها، افراد و گروه‌ها در قالب این کتاب نمود.

تالیف: محمد سعید کاوه

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی



خاکبان افلاکی



آمریکایی‌ها و نوکرانشان امن نیست، آماده سازند.

اولین کاروان از نفتکش‌های کویته با پرچم آمریکا و اسکورت کامل نظامی توسط ناوگان جنگی این کشور در تیرماه سال ۱۳۶۶ به راه افتاد. در این بین، دولت آمریکا عملیات سنگینی را در ابعاد روانی، تبلیغی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی جهت انجام موفقیت آمیز این اقدام انجام داده بود. شبکه سی ان ان به مدت ۷۲ ساعت بطور مستقیم خبر عبور عظیم‌ترین اسکورت دریایی تاریخ را پوشش داده بود تا بگوید این کاروان رد شد و جمهوری اسلامی نتوانست آن را بزند. اما نفتکش «بریتون» که در بین یک ستون نظامی اسکورت می‌شد در فاصله‌ی ۱۳ مایلی غرب جزیره‌ی فارسی، در اثر برخورد با مین‌های کار گذاشته شده توسط سردار شهید مهدوی و یارانش، منفجر شد به طوری که خفره‌ای به بزرگی ۴۳ مترمربع در بدنه‌ی آن ایجاد گردید. در پی این حماسه مرحوم حاج سید احمد خمینی به شهید مهدوی می‌گوید که دل امام را شاد کردید.

شهید نادر مهدوی متولد سال ۴۲ در شهرستان دشتی بوشهر بود. بنیانگذار و فرمانده گروهان دریایی ناوتیپ امیرالمؤمنین(ع) پس از مدتی ناوگروه دریایی ذوالفقار وابسته به منطقه دوم دریایی سپاه پاسداران را راه اندازی کرد و تا زمان شهادت، فرماندهی این ناوگروه را برعهده داشت. شهید مهدوی از زمان ورود آمریکایی‌ها به خلیج فارس تا زمان شهادت، عملیات‌های بسیاری را علیه آمریکایی‌های متجاوز ترتیب داد که معروف‌ترین آن زدن کشتی بریجتون بود.

در سال‌های پایانی جنگ، فرماندهان عالی رتبه‌ی سپاه، جریان عبور آزاد و متکبران‌ه‌ی ناوهای جنگی آمریکا و نیز سایر کشتی‌ها و شناورهای تحت حمایت این کشور را به عرض امام خمینی (ره) رسانده بودند. حضرت امام فرموده بود: «اگر من بودم، می‌زدم.» همین حرف امام، برای سردار شهید مهدوی و جانشینش، سردار شهید بیژن گرد و هم‌زمان آنها کافی بود تا خود را برای انجام یک عملیات مقابله به مثل و اثبات این موضوع که خلیج فارس برای

مکتب الصادق

دی ماه ۹۵ کارگاه نویسندگی در لانه جاسوسی سابق آمریکا برگزار شد. درست در جایی که استکبار از آنجا اهدافش را بر ملت ایران تحمیل می‌کرد. از کودتا تا جاسوسی و ترور. حالا در جنگی نوین باید دوباره لانه دشمن فتح شود، در جنگ نرم و فضای مجازی.

اما آنچه که آنروز انگیزه من را برای حضور در آن جلسه چند برابر می‌کرد مکان برگزاری جلسه بود. آنچه که دیگران آن را لانه جاسوسی می‌خوانند برای فردی چون من؛ خاطره ۴ سال زندگی با بهترین دوستان و جوانانی مومن بود. اینجا بیش از ۱۸ سال برای افراد زیادی لانه جاسوسی نبود بلکه مکتبی بود به نام مکتب‌الصادق. مکتبی بود که سالها در آن نیروهای پرورش یافتند که در زمره نوجوانان و جوانان مومن انقلابی بودند.^(۱)

دبیرستانی که صبح‌های دوشنبه، خیابان طالقانی زیر پای آنان به لرزه درمی‌آمد و فضای آن از سه راه طالقانی تا چهارراه ولیعصر مملو می‌شد از فریاد «حیدر حیدر» و سرود «سرو شهید جوان». آن هم در روزگارانی که اصلاحات با بلندگوی رسانه گوش فلک را کر کرده بود و به فکر فتح افکار نسل جوان بود. دبیرستانی که وقتی قبل از اذان صبح به نمازخانه‌اش می‌رفتید دانش‌آموزان را نافله‌خوان می‌دیدید.

اینجا دبیرستانی بود که بر دیوارهایش تصویر بیش از ۱۰۰ شهید نقش بسته بود. دبیرستانی با بیش از ۱۰۰ شهید در جبهه‌های حق علیه باطل. آیا کسی در سرتاسر جهان مدرسه‌ای را با این تعداد شهید دفاع از دین و وطن می‌شناسد؟

اینجا مکتب‌الصادق بود به معنای واقعی کلمه. دانش آموزش در علم و دین بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند، جایی که لقلقه زبان دانش‌آموزان نه فلان فیلم و فلان بازیگر که مسایل روز جهان اسلام بود. جایی که محصلین آن برای مرگ رییس رژیم صهیونیستی شیرینی دادند و با خیر شهادت صیاد شیرازی کلاسها را تعطیل کرده و عزاداری نمودند. جایی که فارغ‌التحصیلانش اکنون در سطوح مختلف علمی در داخل و خارج کشور برای وطنشان فعالیت می‌کنند.

اما حیف که همه چیز را با حساب مادیات سنجیدند، که البته در آن هم موفق نبودند، و جایی که باید الگوی آموزشی و پرورشی کشور ما می‌شد تعطیل گردید و چنین مکتب بارزشی جای خود را به چند سالن دست‌چند آمفی تئاتر و ... داد.

(۱) جوان مومن انقلابی عنوانی است که سایت رهبر انقلاب بر تصویری از دیدار رهبر انقلاب از مکتب‌الصادق ارائه نموده است.

خرابکارها را بیرون کردید لکن خرابه مانده است... گذشت آن زمانی که یک پاسبان بر ما حکومت می کرد، گذشت آن زمانی که یک ستاره دار بر ما حکومت می کرد. امروز همه در خدمت شما هستند، در خدمت اسلام هستند. این نعمت را قدر بدانید، سستی و سردی به خودتان راه ندهید. کار بسیار بزرگ [انجام] شده است لکن بزرگتر هم مانده است. اگر کسانی درصدد تفرقه اندازی شدند، آنها را از خودتان طرد کنید. از آن چیزهایی که در این پنجاه سال در بین شما زیاد شد از قبیل دروغ گفتن، از قبیل گرانفروشی، از اینها احتراز کنید. امروز سایه اسلام روی سر شماست. امام زمان به شما نظر دارد، پیغمبر اکرم به شما نظر دارد، خدای تبارک و تعالی پشتیبان شماست. صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۱۲۷



بلای رکود



مسلمان های نیم پز...!



سلام ۱۱۰

تاریخ

وزیر و باند او، آن را چاپ نکردند. کاشانی جوابیه را در تیراژی محدود چاپ کرد اما ماموران دولت به چاپخانه یورش برده و بخش اعظم تیراژ جوابیه را ضبط کردند. او در این جوابیه درباره سانسور شدید دولت نوشته بود: «برای مردم قابل قبول نیست که در نظام جمهوری اسلامی ایران دولتمردان بتوانند اتهامات ناروا به اشخاص بزنند و حق جوابگویی که از حقوق اساسی افراد است، حتی از علاقمندان به نظام جمهوری اسلامی ایران سلب شود.» وی از محرمانه انجام شدن این قرارداد و عدم استفاده از معلومات و تجارب حقوقدانان ایرانی نیز انتقاد کرده بود.

در حقیقت پیش نویس این معاهده توسط دولت آمریکا تهیه شد و گروه مذاکره کننده ایرانی با تغییرات محدودی آن را امضا کردند و مفهوم حقوقی بسیاری از جملات و عبارات آن را درک نکردند.

پنهان داشتن مفاد و الزامات قرارداد الجزایر از مجلس، جزء اصلی ترین انتقادات منتقدان بود. نه مردم ایران و نه حتی مجلس شورای اسلامی تا قبل از امضای بیانیه خبر دقیقی از کیفیت این مذاکرات نداشتند.

دولت درباره نکات مورد ادعای کاشانی استدلال کافی برای دفاع از خود نداشت. زیباکلام بعدها در مناظراتی با ظهوروند در تعریف این قرارداد می گوید: «در هیچ کدام از روزهای هفته که به نام های ملی و مذهبی مشخص شده اند، هیچ اشاره ای به بیانیه الجزایر نشده است. چرا؟ به دلیل اینکه این بیانیه خیلی چیزی برای دفاع ندارد.»

بعد از گذشت سی و اندی سال، واقعه ای به نام «برجام» در فضای سیاسی ایران شکل گرفت که بی شباهت به قرارداد الجزایر نبود. ظهوروند در توصیف این تشابه که نمونه ای از عدم پاسخگویی به منتقدان است، درباره مذاکرات لوزان بیان می کند: «چرا تیم ایرانی نه فکتشیت منتشر می کند و نه ظریف به مجلس توضیح می دهد و حتی می گوید که اگر استیضاح هم شوم توضیح نمی دهم اما کری پس از هر بار مذاکره به کنگره گزارش می دهد.» در نمونه دیگر، قرارداد «الجزایر» در زمان تصویب، با کمتر مخالفتی مواجه گشت که در تصویب ۲۰ دقیقه ای «برجام» نیز این ویژگی خودنمایی کرد.

دولت کنونی پس از تجربه کردن دوباره یکی از تجارب تلخ سیاسی ایران، بارها سعی در سلب مسئولیت از خود کرد و با جملاتی مثل برجام را خدا آورد و رهبری در تمام مراحل بر جزئیات نظارت داشتند، از پاسخگویی شفاف طفره رفت؛ اما فراموش کرد امروز نه آغاز و نه انجام جهان است.

منبع: خیبر آنلاین / مسعود اکبری / مشرق

دبه سیستماتیک پاسخی به اعتدال بی پشتوانه



برای اولین بار در در خلال نطق تلویزیونی، به مدت ۱۰ دقیقه درباره قرارداد «الجزایر» صحبت کرد.

میرحسین موسوی در پاسخ به سخنان کاشانی، از خود رفع مسئولیت کرد و آن را به نخست وزیر وقت یعنی شهید محمدعلی رجایی نسبت داد! این در حالی بود که امضاکننده آن قرارداد یعنی بهزاد نبوی از یاران و مشاوران اصلی میرحسین موسوی به شمار می رفت.

کاشانی خطاب به موسوی جوابیه ای نوشت که با اعمال نفوذ دولت، امکان انتشار نیافت. جوابیه کاشانی به ۳ روزنامه کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی ارائه گشت اما تحت نفوذ و فشار نخست

آن زمان آقای کاشانی ریاست تیم مذاکره کننده را برعهده داشت اما آقای مهندس موسوی در یک اقدام مشکوک، آقای کاشانی را از تیم مذاکره کننده دوم حذف کرد و نهایتاً با امضای بهزاد نبوی این قرارداد منعقد شد. دولت ایران تعهدات خود در قبال قرارداد الجزایر را انجام داد ولی آمریکا به تعهدات خود پایبند نماند. قرارداد الجزایر و بدعهدی های آمریکا در اجرای آن، مصداقی روشن از دبه سیستماتیک استخبار در توافقات بین المللی بود.

باینان انعقاد این معاهده با ایجاد سکوت خبری درباره آن، به مخالفان مجال سخن گفتن درباره این قرارداد را ندادند. چند سال بعد دکتر کاشانی در چهارمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری،

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا در تهران را که به لانه جاسوسی مشهور شد تسخیر کرده و ۵۲ دیپلمات و کارمند سفارت را به گروگان گرفتند. ۱۰ روز بعد از گروگان گیری، آمریکا کلیه اموال و دارایی های ایران را مسدود و در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ روابط خود با ایران را قطع کرد.

همچنین در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ واشنگتن تلاش کرد تا با یک سلسله عملیات کماندویی گروگان ها را آزاد کند که این اقدام منتهی به ماجرای طیس شد و در نهایت دولت کارتر ناامید از صحنه عقب نشست و ناچار به حل مناقشه از طریق مذاکره شد.

در ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۹ نمایندگان مجلس در پاسخی تفصیلی به نامه کنگره آمریکا که خواستار حل بدون مناقشه این موضوع شده بودند، سوابق دخالت های واشنگتن را برشمردند و آمریکا را مسئول همه گرفتاری ها و بن بست های جهان دانستند و از کنگره خواستند تا خسارات وارده به ایران را بپردازد و حقوق ملت ایران را پرداخت نماید.

حضرت امام خمینی (ع) در فرمانی حل و فصل موضوع گروگان ها را به مجلس واگذار و تاکید کردند: «گروگان گیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس العمل صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است. اینان فعلاً با باز پس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه های ما آزاد می گردند که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده ام تا آنان به هر نحو که صلاح می دانند عمل نمایند.» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۳)

در ۱۱ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی براساس پیام امام خمینی (ع) طرحی ۴ ماده ای را تصویب کرد و دولت را موظف به اجرا و رعایت آن نمود. مذاکرات فشرده ای در الجزایر به جریان افتاد و در نهایت قرارداد الجزایر به تصویب رسید. بر طبق قرارداد الجزایر تعهد آمریکا پس از آزادی گروگان ها عبارت بود از:

۱. تعهد حتی المقدور ایالات متحده به بازگرداندن وضعیت دارایی های ایران به دوره قبل از ۱۴ نوامبر ۷۹ (۲۳ آبان ۵۸) که تاریخ صدور دستور انسداد سرمایه های ایران از طرف رئیس جمهور وقت آمریکا بود.
۲. لغو کلیه تحریم های تجاری علیه ایران
۳. استرداد دارایی های ایران در آمریکا
۴. استرداد دارایی های شاه
۵. تعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران
۶. پس گرفتن کلیه دعاوی مطرحه آمریکا در دادگاه های بین المللی علیه ایران.



امام سعی داشتیم که تو را بشناسم و کردارت را سرمشقم و گفتارت را راهنمایم و ایمانت را مقتدایم قرار دهم ولی من آن قدر ضعیفم که گنجایش شناخت عظمت‌های تو را ندارم و هر قدر از تو بدانم هیچ نمی‌دانم... من با آگاهی کامل پا به عرصه جهاد گذاشتم تا ناآگاهان دنیا بفهمند که ما به حکم ایمانمان جان می‌دهیم و شهادت را به جان می‌خریم که شاید پرتوی خونمان ظلمت جهان را از دل این رذیلان بردارد و حق را دریابد. پس ای خدا مرا در این امر موفق بدار. شما را به شهید عطشان کربلا قسمتان می‌دهم که مبدا امام را تنها گذارید. این را بدانید که اگر بخواهید پیرو اسلام محمد (ص) باشید همانا پرچمدار آن امام خمینی است. پس از او جدا نشوید.

غرب وحشی

پورتون داون (Porton Down) یا لابراتوار تکنولوژی و علوم دفاعی انگلیس جایی است که بیشتر تحقیقات فوق محرمانه نظامی بریتانیا در آن انجام می‌شود. این مرکز نزدیک به یک قرن پیش در سال ۱۹۱۶ در مساحتی به وسعت ۷۰۰۰ هکتار بنا شد و دلیل تاسیس آن پاسخ به تهدیدات شیمیایی آلمان‌ها در جریان جنگ جهانی اول ذکر شد اما این مرکز که قدیمی‌ترین مرکز تحقیقات سلاح‌های شیمیایی است در دهه ۴۰ و ۵۰ سلاح‌های بیولوژیکی مختلف از جمله بمب‌های

می‌شود، یک گاز کشنده نیست بلکه وسیله‌ای برای کنترل و پراکنده کردن معترضان در بعضی از کشورهاست. اما ماده شیمیایی دیگر گاز بسیار خطرناکی است به نام عامل سمی ایکس یا وی ایکس که یک نوع گاز اعصاب می‌باشد. کوچکترین تماس با این گازها دقیقا مانند سایر گازهای اعصاب بلافاصله منجر به تشنج، فلج یا حتی مرگ می‌شود. روزنامه ایندپندنت در گزارشی نوشت: دولت انگلیس در دوران جنگ سرد، حتی مردم عادی

باران زعمی

علاقتمند بودند میزان گسترش این باکتری در شبکه مترو و سیستم‌های تهویه آن را بسنجند. این باکتری علت مسمومیت غذایی، عفونت چشم و حتی مسمومیت خون قلمداد می‌شود. در سال ۱۹۵۴ میلادی، دولت انگلیس اقدام به اعزام دانشمندان جنگ‌افزارهای میکروبی جنگ سرد، به مناطقی در نزدیکی جزیره‌ای در باهاماس و انتشار ویروس‌های خطرناکی در این منطقه می‌کند که دامنه آن به ونزوئلا هم می‌رسد. این ویروس‌ها می‌توانستند سبب ایجاد بیماری در



تکنولوژی مرگ

سیاه‌خمر را تولید کرده است. بودجه این مرکز سالانه ۵۰۰ میلیون پوند بوده و بیش از ۳۰۰۰ دانشمند در آن مشغول به کار هستند. بنا بر اسناد افشاشده توسط گاردین، بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۸۹، دانشمندان نظامی انگلیس بیش از ۲۰ هزار سرباز هندی در معرض آزمایش‌های سلاح‌های شیمیایی، از جمله گازهای سمی، همچون گاز اعصاب و گاز خردل، در پورتون قرار گرفتند و بسیاری از این سربازان دچار سوختگی شدید پوست شدند. این آزمایش‌ها که به منظور تعیین میزان گاز مورد نیاز برای ایجاد تلفات در میدان جنگ انجام شد، بخش بسیار کوچکی از پروژه عظیم آزمایش سلاح‌های شیمیایی پورتون بر روی انسان است.

نظامیان این کشور را بدون اینکه اطلاعی داشته باشند، همانند خوکچه‌های هندی، در مقیاسی وسیع‌تر از آنچه قبلا تصور می‌شد، در معرض سلاح‌های شیمیایی و میکروبی قرار داده است. در بیش از ۷۵۰ عملیات سری، هزاران نفر از مردم عادی انگلیس از طریق هواپیما، کشتی و خودروها در جاده، در معرض تسلیحات شیمیایی و میکروبی قرار داشته‌اند. تحقیقات «ولف اشویت» استاد تاریخ معاصر در دانشگاه «کنت» نشانگر آن است که هواپیماهای ارتش انگلیس هزاران کیلوگرم از یک ماده شیمیایی «با قابلیت سمی عمدتا ناشناخته» را بر روی انگلیسی‌های غیرنظامی در اطراف سالیسبور و ویلتشایر، کاردینگتون در بدفوردشایر و نورویچ در نورفولک فروریخته بودند. در ماه می ۱۹۶۴ میلادی، طی یک آزمایش میدانی مقادیر عظیمی از باکتری موسوم به «باسیلوس گلوبیجی» در شبکه متروی لندن پایتخت انگلیس منتشر شد زیرا این دانشمندان

انسان از جمله تب بالا، خستگی طولانی مدت، سردرد و گاهی حتی مرگ شوند. انگلیس از نیجر به نیز به عنوان محلی برای آزمایش گازهای اعصاب استفاده کرده است. مزیت این کشور در آن بود که تسلیحات گاز اعصاب در منطقه‌ای با آب و هوایی استوایی مورد آزمایش قرار می‌گرفت که امکان این آزمایش در انگلیس و یا استرالیا نبود.

بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ میلادی ۳۰ هزار آزمایش شیمیایی سری، عمدتا در پورتون داون بر روی بیش از ۱۴ هزار سرباز انگلیسی صورت گرفت که در اکثر موارد به نظامیان اطلاعات کافی درباره آزمایش‌های مربوط داده نشده بود. در سال ۲۰۰۸م سه میلیون پوند غرامت از طرف وزارت دفاع بریتانیا، تنها به ۳۶۰ نفر از سربازان پیشین پورتون داون که در معرض خطرات آزمایش‌های انسانی قرار گرفته بودند پرداخت شد.

یکی از هراس‌انگیزترین جنبه‌های پژوهش‌های جدید پورتون داون تحقیقات بر تهدیدات احتمالی بیولوژیکی با استفاده از بمب‌های کثیف حامل ویروس‌های مرگبار مانند ابولا با میزان کشندگی نزدیک به ۹۰ درصد است. آزمایش‌ها نشان می‌دهد ابولا می‌تواند به طور بالقوه به عنوان یک سلاح کشتار جمعی مورد استفاده قرار گیرد. در گزارش‌های منتشر شده ردپای محققان این مرکز در بمباران‌های شیمیایی حلبچه و همچنین در جنگ‌های اخیر سوریه دیده می‌شود که با عنوان آزمایش‌های لابراتوار علوم و فناوری دفاعی بریتانیا (DSTL) بر روی گاز سارین به دست آمده از جنگ سوریه در سال ۲۰۱۳ ذکر شده است.

نانو نوشته

سیدمتین امامی



حقیقتی در پس پرده

شناخت ما مجموعه آگاهی‌ها و تصورات ما از خداوند است. این تصورات ذهنی، بیش از اینکه از راه مطالعه و شنیدن به ما منتقل شود به طرز کاملاً ملموس و از طریق قضاوت ما درباره زوایای مختلف دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم شکل گرفته است.

«خداوند ارحم الراحمین است» این همان عبارتی است که بارها برای به وجود آوردن شناختی از خداوند به ما گفته‌اند، اما هرگز برای شناخت خداوند کافی نبوده و نیست. انسان تا رحمانیت خدا و «رحیم‌ترین» بودن او را درک نکند، حقیقت شناخت پدید نمی‌آید. انسانی که از وضعیت آشوب جهان، رنج، فراخ عزیزان، گرسنگی، بیماری و وجود شر در جهان ناراضی است و حقیقت نهفته در پس پرده را نمی‌داند، نمی‌تواند رحمانیت خدا را درک کند. وقتی بقای ظلم را، با وجود مذمت خدا می‌بیند، حتی اگر عجایب شگفت‌انگیز خلقت را هم دیده باشد نسبت به قدرت خداوند تردید پیدا می‌کند.

از این جهت شناخت ما از خداوند بسیار مرتبط با شناخت ما از جهان و هستی است. ما شناخت خالق این هستی را از ورای این سوال که «چرا دنیا این جور است؟» می‌جوییم. نقش اساسی را در شناخت ما، پاسخ به این سوال ایفا می‌کند نه معلومات خام ما. معلومات ما اگر با درک درست از هستی گره نخورد در تلاطم سوال «چرا خدا این جور است؟» رنگ می‌بازد.

اما هستی و نظام عالم هم، آغاز راه شناخت نیست؛ چرا که جهان برای انسان خلق شده است و تا نقش و جایگاه انسان پوشیده باشد، چیزی از اسرار پدیده‌های خلقت گشوده نمی‌شود. تا روشن نشود انسان برای چه خلق شده است و خدا از انسان چه می‌خواهد، انسان را چگونه می‌طلبد و برای کاشاندن او به آن جا که برایش می‌طلبد، با او چه می‌کند و چه بر سرش می‌آورد، هرگز دلیل رنج‌ها و بلاها، امر و نهی‌ها و حتی فلسفه اصلی لذت و نعمت‌ها را نمی‌شود درک کرد.

شاید سر صعود به آسمان عرفان از نردبان خودشناسی و خط سیر خودشناسی تا خداشناسی همین باشد و گرنه چگونه ممکن است شناخت موجودی حقیر، به شناخت موجود برتر و شناخت مخلوق به شناخت خالق بیانجامد؟

دو هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی میعاد. نشریه تولیدات کاربران شبکه اجتماعی افسران

سرمدیپور: باران زعمی

همکاران این شماره: سیدمتین امامی، پرستو، معصومه رحیمی، فائوس، سلام، ۱۱۰، پرواز ۷۷

میثم اسماعیلی، صادقی اقدم، نرجس بانو

طراح نشان: مسعود نجابتی / طراحی و صفحه‌آرایی: سیدم. حسینی

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰ | رایانامه: nashrieh_afsanar@mihanmail.ir

نشانی سایت: www.afsanar.ir/profile/nashrieafsanar

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود. مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسنده‌گان آن است. استفاده از مطالب منتشر در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.